

بررسی تأثیر افزودن رمی فنتانیل به پروپوفل در القاء بیهoshi در الکترو شوک درمانی (ECT) به روی طول مدت تشنج، تغییرات همودینامیک و زمان ریکاوری از بیهoshi دکتر بهزاد احسان^۱، محمد صالح واحدی^۲، شعله شامي^۳، دکتر مهدی طبی آراسته^۴

۱- استادیار گروه بیهoshi و مراقبتهاي ويژه، دانشگاه علوم پزشكى كردستان (مؤلف مسؤول) dr_bezhadahsan@yahoo.com

۲- عضو هیئت علمي گروه آموزشي بیهoshi دانشکده پزشكى سنندج

۳- عضو هیئت علمي گروه آموزشي داخلی جراحی دانشکده پرستاري سنندج

۴- استادیار گروه بیهoshi و مراقبتهاي ويژه، دانشگاه علوم پزشكى كردستان

چكیده

زمينه و هدف: جهت انجام سالم الکتروشوک درمانی (ECT)، بيماران تحت بیهoshi عمومي قرار ميگيرند. نوع هوشبر مصرفي جهت القاء بیهoshi در ECT ميتواند بر روی طول مدت تشنج، تغیيرات همودینامیک و زمان ریکاوری از بیهoshi تأثیر بگذارد. اين مطالعه با هدف بررسی تأثیر افزودن رمی فنتانیل به پروپوفل در القاء بیهoshi در ECT به روی طول مدت تشنج، تغیيرات همودینامیک و سرعت ریکاوری از بیهoshi انجام شد.

روش بررسی: بيست بيمار ASA, I, II مراجعه‌کننده به بخش روانپزشكى کانديد ECT به صورت تصادي در دو نوبت درمان ECT متوالي به صورت بينابيي رمی فنتانیل - پروپوفل ياسالين - پروپوفل دريافت کردند. ECT با الکترود دو طرفه بعد از تزريق آتروپين (۰/۵ mg)، رمی فنتانیل ۵۰ ميكروگرم (گروه مطالعه) يا سالين^۳ سيسی (گروه کنترول) و پروپوفل (۰/۵ mg/kg) ساكسنيل كولين (۰/۵ mg/kg) و به دنبال آن تهویه کمکي با ماسك و اکسيژن ۱۰۰٪ انجام شد. فشار خون سیستوليك، دیاستوليك و تعداد ضربان قلب قبل از القاء بیهoshi و در دقايق ۱، ۵ و ۱۰ بعد از اتمام بیهoshi اندازه‌گيري و ثبت شدند. همچنين طول مدت تشنج، زمان بازکردن چشمها به پيشنهاد، زمان نشستن بيماران بدون کمک و زمان راه رفتن به ميزان ۱۰ متر بدون کمک در بيماران اندازه‌گيري و ثبت شد. داده‌ها با استفاده از نرم افزار آماري SPSS و با استفاده از تستهاي T test و ANOVA آناليز شدند. p<0.05 از لحاظ آماري معنيدار تلقی شد.

يافته‌ها: افزایش فشار خون سیستوليك، دیاستوليك و تعداد ضربان قلب به دنبال ECT در هر دوي روشها روی داد ولي اين افزایش در گروه کنترل در زمانهای مختلف بطور معنیداري از گروه مطالعه بيشتر بود. طول مدت تشنج در دو گروه تفاوت معنیداري نداشت. زمان بازکردن چشمها به پيشنهاد و زمان نشستن بدون کمک در دو گروه مشابه بود.

نتیجه‌گيري: نتایج مطالعه ما نشان دادن که افزودن رمی فنتانیل به پروپوفل در القاء بیهoshi در ECT به روی طول مدت تشنج و سرعت ریکاوری از بیهoshi اثری ندارد ولي تغیيرات همودینامیک در پاسخ به شوک را تعديل ميکند.

کلید واژه‌ها: پروپوفل، رمی فنتانیل، الکتروشوک درمانی، تشنج
وصول مقاله: ۸۷/۱/۱۵ اصلاح نهايی: ۸۷/۲/۸ پذيرش مقاله: ۸۷/۲/۱۰

مؤثر و بي خطر برای تعدادي
از اختلالات

مقدمه
بعد از گذشت ۵۰ سال هنوز ECT به عنوان يك درمان مهم،

الکترودها، آستانه تشنج و داروهای تجویزی از جمله هوشرا میباشد.

اجسام ECT نیاز به بیهوشی عمومی دارد. عمق بیهوشی حتی‌المکان باید سبک باشد تا نه تنها عوارض جانبی کاوش یابد بلکه افزایش آستانه تشنج ایجاد شده توسط اکثر هوشرا نیز تعدیل شود.

برای القاء بیهوشی در ECT از هوشرا ختلف از جمله متوجهگریتال، تیوپنیتال سدیم، پروپوفل، اتومنیدیت، کتامین و بنزوپیدیازپینها استفاده شده است. همانند بکارگیری بیهوشی در سایر موارد، در ECT نیز هوشرا مطلوب هوشرا است که با حداقل تغییرات همودینامیک، ریکاوری سریعتر و عوارض کمتر همراه بوده و بر روی نتیجه درمان نیز اثر منفی نداشته باشد. پروپوفل دارای همه خواص فوق است ولی متهم به کاوش طول مدت بیهوشی است (۲).

رمی فنتانیل که از داروهای هوشرا فوق سریع از خانواده خدرها است در اعمالی استفاده میشود که نیاز به اثرات بیدردی در قبل و حین عمل وجود داشته باشد. دفع سریع این دارو کاربرد آنرا در اعمال جراحی مختلف رایج کرده است (۳). تجارب بالیک نشانگر آن است که رمی فنتانیل دوز مورد نیاز داروهای هوشرا را تا حد زیادی کاوش میدهد (۴) و زمانی که به عنوان داروی کمکی در بیهوشی مصرف میشود موجب کاوش فشار خون و تعداد ضربان قلب میگردد (۵). ثبات همودینامیک و بیداری سریع متعاقب مصرف رمی فنتانیل (۶) پیشنهاد

نروسایکوتیک باقی مانده است. در حال حاضر افسردگی مژوز به ویژه در سن بالا شایع‌ترین اندیکاسیون برای درمان با ECT است. ECT برای درمان سایر اختلالات شدید مثل اسکیزوفرنی و بیماری دو قطبی نیز به کار می‌رود. تهاجمی بودن این اقدام و عوارض جانبی عده از جمله از دست دادن حافظه و گیجی از عوامل محدود کننده بکارگیری ECT هستند. با وجود این اثرات جانبی شناختی ECT به وضوح در مقابل فوائد درمانی آن ناچیز است.

ECT را باید برای استفاده در بیمارانی که در آنها درمان‌های داروئی مؤثر نبوده، داروهای شیمیایی را تحمل نمی‌کنند، دارای علائم شدید و سایکوتیک هستند، احتمال خودکشی یا آسیب به دیگران را دارند و یا علایم بارز تحریکی Stupor دارند مد نظر داشت. مطالعات نشانگر آن است که بیش از ۷۰٪ بیمارانی که به درمان دارویی پاسخ نمی‌دهند ممکن است به ECT پاسخ مثبت بدeneند.

تحریکات الکتریکی ECT موجب فعالیتهاي تونیک جنرالیزه برای حدود ۱۰ ثانیه می‌شوند و بدنبال آن فعالیتهاي کلونیک منتشر برای دوره‌ای متغیر که از چند ثانیه تا بیش از یک دقیقه طول می‌کشد روی میدهد. اعتقاد عمومی بر این است که طول مدت تشنج تعیین کننده اصلی تأثیر درمان است و بنظر می‌رسد که تشنجهای کمتر از ۲۵ ثانیه بی‌تأثیر هستند (۱). طول مدت تشنج تابع فاکتورهای متعددی از جمله سن بیمار، انرژی تحریک، محل گذاشت

و پاراکلینیکی در صورت فقدان بیماریهای قلبی، عروقی و ریوی، ۲۰ نفر از بیماران با تجویز حداقل ۶ نوبت ECT از طرف متخصص مربوطه وارد طرح شدند. برای کلیه بیماران با آنژیوکت $G=20$ یک ورید محیطی گرفته شد. مانیتورینگ استاندارد شامل پالس اکسی متر، ECG و فشار سنج غیر مستقیم اتوماتیک برای بیماران وصل شد. فشار خون سیستولیک و دیاستولیک و تعداد ضربان قلب قبل از القاء بیهوشی برای بیماران اندازه‌گیری و ثبت شد. سپس بیماران بصورت تصادفی ساده (فرد و زوج) به دو گروه تقسیم شدند. القاء بیهوشی بیماران با پروپوفول- رمی فنتانیل (فرد) یا پروپوفول- سالین (زوج) انجام شد و داروهای فوق در طی ۲ نوبت ECT بصورت بینابینی (یک در میان) جهت القاء استفاده شدند، بطوری که نهایتاً دو نوبت ECT بیماران بصورت متناوب یک بار با پروپوفل- رمی فنتانیل و یک بار با پروپوفول- سالین انجام شد. برای شلی عضلانی در کلیه بیماران از ساکسنیل کولین استفاده شد و پیش داروی بیهوشی کلیه بیماران مشابه و شامل آتروپین بود.

بعد از تزریق داروی هوشبر الکتروشوك با استفاده از الکتروهاي دو طرفه (Bilateral) و با استفاده از دستگاه (analog output ECT:typ RF class 1.ARA 121 Farsun-ara.com) و با انرژي حسابه شده بر اساس شوك اول به بیمار داده شد. جهت مانتیور کردن طول مدت تشنج از باد کردن یک

کننده آن است که میتوان آنرا در اعمالی چون درمان با شوک الکتریکی نیز مصرف کرد. چندین مطالعه برای بررسی اثر رمی فنتانیل بر روی بیمارانی که شوک الکتریکی میگیرند طرح ریزی و اجرا شده‌اند که نتایج آنها متناقض است (۳-۷). این مطالعه با هدف بررسی تأثیر افزودن رمی فنتانیل به پروپوفول برای القاء بیهوشی در ECT به روی طول مدت تشنج، تغییرات همودینامیک و سرعت ریکاوری از بیهوشی طراحی و انجام شد.

روش بررسی

مطالعه حاضر یک مطالعه بالینی تصادفی شده دو سوکور است که در جشن شوک درمانی بیمارستان قدس سنندج انجام شد. حجم نمونه بر اساس جدول کوکران و با احتساب حجم اثر $5/00$ ، حدود اطمینان 95% و توان 93% در کل ۲۰ نفر در نظر گرفته شد. این بیماران پس از پر کردن برگه رضایت آگاهانه بصورت تصادفی یک بار با پروپوفول- رمی فنتانیل (گروه مداخله) و یک بار با پروپوفول- سالین (گروه کنترل) تحت شوک درمانی قرار گرفتند. معیارهای ورود به مطالعه شامل وضعیت فیزیکی منطبق با کلاس ۱ و یا ۲ بیهوشی (ASA class I or II)، فقدان بیماریهای قلبی، تنفسی و عروقی و محدوده سنی ۲۰ تا ۶۰ سال و معیارهای خروج از مطالعه شامل ASA کلاس ۳ یا بیشتر بود.

ابتدا از بیماران مراجعه کننده به جشن بیمارستان قدس شرح حال گرفته شد و بعد از بررسیهای فیزیکی

۸ نفر (۴۰٪) از بیماران زن و ۱۲ نفر (۶۰٪) از بیماران مرد بودند. میانگین سنی بیماران $۵\pm۹/۲۷$ سال بود. فشار خون سیستولیک و دیاستولیک بعد از القاء بیهوشی و پس از تشنج به وسیله هر دوی رمی فنتانیل-پروپوفل و رمی فنتانیل-سالین یک و پنج دقیقه بعد از اتمام تشنج نسبت به قبل از تشنج به صورت معنیداری افزایش یافت (جدول ۱).

تعداد ضربان قلب بعد از القاء بیهوشی توسط هر دوی رمی فنتانیل-پروپوفل و رمی فنتانیل-سالین در دقایق ۱، ۵ و ۱۰ بعد از اتمام تشنج نسبت به مقدار پایه قبل از القاء افزایش یافت. این افزایش در گروه رمی فنتانیل-سالین در دقایق ۱ و ۵ بعد از اتمام تشنج نسبت به مقادیر پایه معنیدار بود ($p<0.05$) (جدول ۱). طول مدت تشنج در گروه رمی فنتانیل-پروپوفل $۱۰/۰\pm۱/۰$ ثانیه و در گروه رمی فنتانیل-سالین $۹/۲\pm۱/۲$ ثانیه بود. دو گروه از لحظ طول مدت تشنج تفاوت معنیداری با هم نداشتند.

زمان ریکاوری از بیهوشی با رمی فنتانیل-پروپوفل تفاوت معنیداری با رمی فنتانیل-سالین نداشت (جدول ۲).

فشار سنج در مج پا که به میزان بالاتر از فشار سیستولیک قبل از انفوژیون شل کننده عضلانی باد شده بود استفاده شد. تا امکان مشاهده فعالیت‌های تشنجی در عضلات پا وجود داشته باشد.

زمان تشنج بیمار با استفاده از دستگاه الکتروشوك اندازه‌گیری و در پرسشنامه ثبت گردید. متغیرهای فشار خون سیستولیک و دیاستولیک و تعداد ضربان قلب در فواصل زمانی ۱ دقیقه، ۵ دقیقه و ۱۰ دقیقه بعد از اتمام تشنج با استفاده از دستگاه مانیتور اتوماتیک اندازه‌گیری و در پرسشنامه ثبت شد. فاصله زمانی بین القاء بیهوشی تا بازکردن چشمها در پاسخ به پیشنهاد پزشک، نشستن بیمار بر روی تخت ریکاوری بدون کمک و راه رفتن بیمار به میزان ده متر بدون کمک نیز اندازه‌گیری و ثبت شدند. اطلاعات گردآوری شده در پرسشنامه ثبت گردید.

داده‌ها با استفاده از نرم افزار آماری SPSS تجزیه و تحلیل شدند و برای مقایسه اثرات داروها بر روی طول مدت تشنج از آزمون T test و برای مقایسه تغییرات فشار خون، تعداد ضربان قلب و ریکاوری از اثرات داروها از آزمون ANOVA استفاده شد.

یافته‌ها

جدول ۱: میانگین تغییرات فشار خون سیستولیک، دیاستولیک و تعداد ضربان قلب نسبت به میزان پایه در زمان‌های مختلف در دو گروه مداخله (رمی فنتانیل-پروپوفل) و کنترل (رمی فنتانیل-سالین).

T4			T3			T2			زمان			گروه مداخله
HR	DBP	SBP	HR	DBP	SBP	HR	DBP	SBP	زمان	گروه	گروه	
+۳	+۱/۹	+۲/۲	+۶	+۴/۵	+۷/۶	+۱۰	+۱۴/۳	+۱۹/۳				

گروه کنترل P-Value
 $+7 / 1046$ $+6 / 5 / 1007$ $+7 / 1 / 1011$ $+18 / 005$ $+9 / 2 / 003$ $+13 / 004$ $+19 / 009$ $+21 / 5 / 048$ $+29 / 4 / 041$
T2 = یک دقیقه بعد از اتمام تشنج، T3 = پنج دقیقه بعد از اتمام تشنج، T4 = ده دقیقه بعد از اتمام تشنج

جدول ۲: میانگین و انحراف معیار زمان لازم برای ریکاوری از بیهوشی بعد از القاء بیهوشی در دو گروه مورد مطالعه

		زمان (دقیقه)		گروه با زمان چشمها	گروه مدخله	گروه کنترل	P-value
	زمان لازم برای راه رفتن	زمان لازم برای نشستن					
$24 / 4$ ($8 / 9$)	$16 / 2$ ($7 / 5$)	$7 / 7$ ($5 / 4$)					
$22 / 1$ ($9 / 8$)	$15 / 7$ ($8 / 4$)	$6 / 1$ ($5 / 6$)					
NS	NS	NS					

درمان با شوک الکتریکی نیز
صرف کرد.

Recart و همکاران در یک مطالعه آینده‌نگر، تصادفی، دو سوکور، کنترل شده با پلاسبو اثر دوزهای مختلف رمی فنتانیل برروی پاسخهای همودینامیک حاد و طول مدت تشنج در بیمارانی که تحت الکتروکانوالسیووتر اپی قرار گرفته بودند را ارزیابی کردند. همه بیست بیمار شرکتکننده در مطالعه با متوا هگزیتال ۱ میلیگرم/کیلوگرم بیهوش شدند. و سپس یکی از سه دوز مختلف رمی فنتانیل (۵۰، ۲۵ و ۱۰۰ میکروگرم) و یا سالین را در یک توایی تصادفی بلافاصله بعد از متوهگزیتال دریافت کردند. ارقام فشار خون قبل و بعد از شوک بطور معنیداری در گروه ۱۰۰ میکروگرم رمی فنتانیل در مقایسه با گروه کنترل کاهش یافت. طول مدت فعالیت تشنجی موتور و الکتروانسفالوگرام در چهار گروه اختلاف معنیداری نداشت. زمان ریکاوری از بیهوشی نیز در بین چهار گروه تفاوت نداشت. محققان نتیجه گرفتند که رمی فنتانیل با دوز ۱۰۰ میکروگرم پاسخ همودینامیک به الکتروکانوالسیووتر اپی را کاهش می‌دهد و اثر سوئی نیز بر روی طول مدت فعالیت تشنجی ندارد

در طی انجام ECT پزشکان گاهی با مشکل کوتاه شدن طول مدت تشنج و یا ناتوانی در القاء تشنج حتی با

بالاترین ظرفیت دستگاهها روبرو می‌شوند. طول مدت و نیز کیفیت تشنج ممکن است در طی یک دوره ECT کاهش یابد، این مشکل بویژه در صورت تداوم و یا در موارد ECT نگهدارنده روی میدهد (۶). در این موارد می‌توان از کاهش دوز داروهاي هوشبر و جایگزینی آن با مکملهای دارویی استفاده کرد. یکی از این مکمل‌ها خدرها هستند. رمی فنتانیل از خدرهای فوق کوتاه اثر است، تجارب بالینی نشانگر آن است که رمی فنتانیل دوز مورد نیاز داروهاي هوشبر را تا حد زیادی کاهش میدهد (۴) و زمانی که به عنوان داروی کمکی در بیهوشی مصرف می‌شود موجب کاهش فشار خون و تعداد ضربان قلب می‌گردد (۵). ثبات همودینامیک و بیداری سریع متعاقب مصرف رمی فنتانیل (۶) پیشنهادکننده آن است که می‌توان آنرا در اعمالی چون

بحث

هوشبری رمی فنتانیل منجر به طولانی شدن فعالیتهای تشنجی بعد از یک تحریک الکتریکی استاندارد شود. بنظر می‌رسد که بالا بردن طول مدت تشنج در رسیدن به پاسخ درمانی ایده‌آل به الکتروکانوالسیوتراپی بسیار حایز اهمیت است (۱۳).

بنابراین کاهش دوز هوشبرها و جایگزین کردن بخشی از دوز دارویی مصرفی با خدرها عاقلانه به نظر می‌رسد.

رمی فنتانیل دارای اثرات حاد تضعیف کننده قلبی عروقی است که می‌تواند منجر به کاهش هر دوی فشار خون و ضربان قلب در طی بیهوشی عمومی شود (۱۲). در مطالعه حاضر بعد از القاء تشنج هر دوی فشار خون و ضربان قلب در بیماران هر دو گروه افزایش یافتند ولی این افزایش در گروه مطالعه به طور معنیداری کمتر از گروه کنترل بود. ولی رمی فنتانیل قادر به سرکوب کامل پاسخ هایپر دینامیک به تحریک ناشی از ECT نبود. این بخش از نتایج مطالعه ما با مطالعات Avramov MN و Recart هموارانشان هموانی دارد (۱۴).

افزودن رمی فنتانیل به پروپوفل در مطالعه ما اثری بر طول مدت ریکاوری از بیهوشی که به معیارهای بازکردن چشم‌ها، نشستن و راه رفتن بدون کمک ارزیابی می‌شد نداشت. این بخش از نتایج ما نیز با نتایج مطالعات دیگر هموانی دارد (۱۳، ۱۴).

نتیجه‌گیری

۵۰ میکروگرم رمی فنتانیل پاسخ حاد همودینامیک به ECT با القاء بیهوشی توسط پروپوفول

زمان ریکاوری را طولانی نمی‌کند یا اثرات سوء بعد از الکتروکانوالسیوتراپی را افزایش نمی‌دهد (۸).

نتایج مطالعه ما نشانگر آن است که افزودن رمی فنتانیل به پروپوفل در القاء بیهوشی نمی‌تواند به خودی خود هر نوع افزایش یا کاهشی را در طول مدت فعالیت تشنجی در ECT ایجاد کند. این نتیجه با نتایج مطالعه Recart و همکاران هموانی دارد (۸).

یک مطالعه اخیراً یک افزایش ۳۹٪ را در طول مدت تشنج، زمانی که می‌تواند در ترکیب متوجه‌گریتال و رمی فنتانیل تنها استفاده شد نشان داد (۹).

Smith و همکاران (۱۰) و Sienaert (۱۱) نیز معتقدند که جایگزینی بخشی از دوز مصرفی متوجه‌گریتال با ریکی فنتانیل موجب طولانی کردن معنیدار طول مدت تشنج می‌شود. نتایج این سه مطالعه با مطالعه ما متفاوتند.

این تفاوت را در نتایج مطالعات مختلف می‌توان اینگونه توجیه کرد که در مطالعات قبلی دوز داروهای هوشبر در گروه‌ها مساوی نبود، مثلاً در مطالعه Andersen و همکاران دوز متوجه‌گریتال در گروهی که متوجه‌گریتال با رمی فنتانیل دریافت کرده بودند نسبت به گروه متوجه‌گریتال تنها حدود ۴۰٪ کمتر بود (۹).

از آنجا که داروهای آرام بخش خواب‌آور همچون پروپوفول و متوجه‌گریتال دارای خواص ضد تشنجی وابسته به دوز هستند (۱۲) لذا انتظار می‌رود هرگونه اثر بحث بر انگیز

پژوهشی دانشگاه وکلیه کسانی که
ما را در مراحل مختلف پژوهش تا
چاپ در مجله علمی پژوهشی
دانشگاه علوم پزشکی کردستان
یاری فرمودند سپاسگزاری
می‌کنیم.

را کاوش میدهد ولی اثربر
روی طول مدت تشنج و زمان
ریکاوری از بیهوشی ندارد.

تشکر و قدردانی

از همکاران محترم شاغل در بخش
الکتروشوک درمانی مرکز پزشکی
قدس و همکاران محترم شاغل در حوزه

References

1. Dubovsky sL. ECT in: kaplan, comprehensive text book of psychiatry. Baltimore: Williams and Wilkins. 6th ed. 1995; 2129-40.
- 2 Volikas I, Male D. A comparison of pethidine and remifentanil patient-controlled analgesia in labour. Int J Obstet Anesth 2001; 10: 86-90.
- 3- Mertens MJ, Olofsen E, Engbers FH. Propofol reduces perioperative remifentanil requirements in a synergistic manner: response surface modeling of perioperative remifentanil-propofol interactions. Anesthesiology 2003; 99: 347-359.
- 4 . Sebel PS, Hoke JF, Westmoreland C, Hug cc, Muir KT and Szlam F. Histamine concentration and hemodynamic responses after remifentanil. Anesth Anelg 1995; 80: 990-5.
- 5- Marco G, Concezione T, Silaano C, Simona N, Pietro M, Marco L, et al. Remifentanil provides hemodynamic stability and faster awakening time in transsphenoidal surgery. Anesth Analg 2002; 94: 163-168.
- 6- Sienaert P, Bouckaert F, Hagon A, Hagon B, Peuskens J. Short seizures in continuation electroconvulsive therapy: An indication for remifentanil anesthesia? J ECT 2004; 20: 278.
7. Recart, Alejandro, Rawal, Shivani, White, Paul F., Byerly, Stephanie et al. The Effect of remifentanil on seizure duration and acute hemodynamic responses to electroconvulsive therapy. Anesth Anelg 2003; 96: 1047-50.
8. Andersen FA, Arslan D, Holst-Larsen H. Effects of combined methohexitone-remifentanil anesthesia in electroconvulsive therapy. Acta Anaesthesiol Scand 2001; 45: 830-3.
9. Smith DL, Angst MS, Brock-Utne JG, Debattista C. Seizure duration with remifentanil/methohexitone vs. methohexitone alone in middle-aged patients undergoing electroconvulsive therapy. Acta Anaesthesiol Scand 2003; 47: 1064-1066.
10. Sienaert P, Bouckaert F, Hagon A, Hagon B, Peuskens J. Short seizures in continuation electroconvulsive therapy: an indication for remifentanil anesthesia? J ECT 2004; 20: 130-131.
- 11 Sebel PS, Hoke JF, Westmoreland C, Hug Jr CC, Muir KT and Szlamal F. Histamine concentration and hemodynamic responses after remifentanil. Anesth Analg 1995; 80: 990-5.
12. Ding Z, White PF. Anesthesia for electroconvulsive therapy. Anesth Analg 2002; 94: 1351-64.
13. Avramov MN, Stool LA, White PF, Husain MM. Effects of nicardipine and labetalol on the acute hemodynamic response to electroconvulsive therapy. J Clin Anesth 1998; 10: 394-400.